

پروژه‌های توسعه روستایی و مهاجرت از روستا به شهر (مطالعه موردی: پروژه ترسیب کربن)

بهراد فرمهینی فراهانی^۱

چکیده

توسعه اقتصادی کشور مستلزم توسعه روستایی و تعریف دقیق پیوندهای میان روستا، شهر و منطقه است. با وجود تمام تلاش‌هایی که در راستای توسعه محلی و روستایی در قالب انواع سیاست‌ها و پروژه‌ها به عمل آمده است، نیل به وضعیت مطلوب همچنان دور از دسترس می‌نماید و روند خالی‌شدن روستاها از سکنه ادامه دارد. عدم تحقق توسعه روستاها در مهاجرت خارج از اندازه از آن به شهرها نمود می‌یابد؛ لذا هر راهکار مردم‌سالارانه‌ای که برای جلوگیری از مهاجرت روستا به شهر اندیشیده شود، می‌تواند راهکاری برای توسعه روستایی قلمداد شود. در این پژوهش با مطالعه برخی اسناد، علل مهاجرت ساکنان روستا به شهر شناسایی و دسته‌بندی شده و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که پروژه ترسیب کربن - که به اعتبار برنامه توسعه ملل متحد در ایران اجرا می‌شود - بر چه متغیرهایی از مهاجرت روستاییان اثر گذاشته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علل مهاجرت ریشه در تضاد میان شهر و روستا دارد. لذا پروژه‌ها و مدل‌های مداخلاتی توسعه‌گران محلی، توان پاسخ‌گویی به تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن را ندارند. بنابراین، در شرایط کنونی، مهاجرت روستاییان به شهرها با آهنگی مثبت همچنان ادامه خواهد داشت و تحقق اهداف توسعه به تعویق می‌افتد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه روستایی، مهاجرت، ترسیب کربن، برخورد سیستمی.

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی، اقدامات بسیاری در خصوص توسعه روستایی در کشور صورت گرفت که طیف متنوعی از مداخلات در روستاها را شامل می‌شود. با وجود این، تحقق اهداف توسعه همچنان به تعویق افتاده و پایه‌های اقتصادی کشور - که در تولیدات روستایی قرار دارد - در مقابل تکانه‌های بیرونی آسیب‌پذیر است. یکی از آثار این ضعف بنیادین، مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها است و می‌توان گفت هیچ‌یک از اقداماتی که برای توسعه روستایی در کشور صورت گرفته‌اند،

توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور در گرو توسعه مناطق روستایی آن است. اگر توسعه روستاها محقق نشود، آسیب ناشی از آن در قالب مهاجرت گسترده از روستاها به شهرها نمودار می‌شود. بنابراین، می‌توان راهبردها و سیاست‌های مردم‌سالارانه‌ای را که سبب کاهش مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری شود، راهبردها و سیاست‌های توسعه روستایی تلقی کرد. لذا این قابلیت وجود دارد که انواع پروژه‌های توسعه روستایی را از منظر چگونگی اثرگذاری بر روند مهاجرت روستا به شهر مورد قضاوت قرار داد.

اجتماعی و اقتصادی منطقه به مثابه یک کل در نظر گرفته می‌شود و سرشت پیوندها و روابط بین عناصر این کل در یک حرکت دیالکتیکی مدنظر قرار می‌گیرد.

روند این مطالعه به این صورت است که ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای، مسائلی را که بر مهاجرت روستاییان به شهرها مؤثرند، شناسایی و دسته‌بندی می‌کنیم؛ سپس رابطه آن‌ها با توسعه روستایی به بحث گذاشته شده و ابعاد مختلف آن متناسب با مورد مطالعاتی این پژوهش (پروژه ترسیب کربن)، که با مطالعات اسنادی شناخته شده‌اند، بررسی می‌گردد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. تعریف توسعه و توسعه روستایی

مفهوم «توسعه» مفهومی به شدت مورد مجادله و مبهم است. (ویلینس، ۱۳۹۳، ص ۴۱؛ نیر، ۱۳۸۵، ص ۷۱) باین حال، می‌توان گفت «رشد و توسعه یعنی تغییر و جنبش. تغییر از جهتی به جهت دیگر که پیچیده‌تر و بارآورتر است. چگونگی این تغییر و جنبش، کندی و تندی‌اش، انعکاس و جلوه‌هایش، همه و همه ناشی از نیروها و عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اکولوژیکی و سیاسی است.» (ادیبی، ۱۳۳۵، ص ۱۰۰). همچنین، «توسعه باید شرایط زندگی افراد را بهبود بخشد. بنابراین، توسعه باید تأمین نیازهای اساسی انسان‌ها را نه تنها در مورد خوراک و پوشاک، بلکه در موضوع مسکن، خدمات بهداشتی و آموزشی نیز تضمین نماید.» (نیر، ۱۳۸۵، ص ۷۱). می‌توان با کاستلز (Castells et al., 2014) نیز موافق بود، آنجا که می‌گوید «توسعه» فرایندی است که طی آن مردم برای بهبود زندگی و شرایط زیستشان، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، توانمندی‌های خود را بر اساس ارزش‌ها و منافعشان افزایش می‌دهند و بنابراین، کرامت انسانی و منزلت اجتماعی‌شان را طلب می‌کنند. در ارائه این تعریف، فرض بر این است که افزایش ثروت مادی نه تنها شرط لازم برای حفظ کرامت انسانی نیست، بلکه لزوماً به خوشبختی بیشتر نیز نمی‌انجامد. این فرض دو علت اصلی دارد: نخست اینکه توزیع ثروت حاصل از کار افراد، به علت کنترل منابع از سوی سرآمدان قدرت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، اغلب نابرابر است؛ علت دوم آن است که خوشبختی انسان‌ها، به صورت فردی یا جمعی، ممکن است نتیجه ارزش‌ها و باورهای باشد که با ارزش‌های هدایت‌کننده تولید منابع مادی متفاوت یا متناقض است. لذا مفهوم «توسعه» به‌رغم اینکه مفهومی اقتصادی و مادی است، مفهومی غیر از این دو است و توسعه‌ای که زندگی افراد را بهبود بخشد و کرامت انسانی و منزلت اجتماعی را برای آنان به همراه آورد، لزوماً به معنای افزایش صرف تولید مادی نیست.

توانسته‌اند تأثیر چندانی بر آهنگ این حرکت از روستا به شهر بگذارند که در نتیجه آن نیروی کار مازاد ارزانی روانه شهرها شده است و منجر به آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی، چه در مبدأ و چه در مقصد، شده‌اند. از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان به شهرها حائز اهمیت است؛ چراکه فقط با شناسایی علل مهاجرت روستاییان به شهرها است که می‌توان در خصوص جوانب اثرگذاری اقداماتی که در ارتباط با توسعه این مناطق صورت می‌پذیرد، تصویر دقیق‌تری ارائه کرد.

یکی از مدل‌های توسعه روستایی که می‌تواند بر روند مهاجرت اثرگذار باشد، «ترسیب کربن» است. این پروژه با حمایت «برنامه توسعه ملل متحد»^۱ چند سالی است که در ایران در حال اجرا است و هدف از آن بیابان‌زدایی و احیای مراتعی - از طریق رسوب‌دادن کربن در خاک با کاشت گیاهان بومی - است که به علت مداخلات انسانی مانند چرای بی‌رویه دام و تأمین سوخت، به بیابان‌هایی خشک بدل گشته‌اند. ابزار تحقق این هدف، مدلی اقتصادی است که با مشارکت مردم محلی محقق می‌شود و به نظر می‌رسد تا حدودی در نیل به آن نیز موفق بوده است. انتخاب این مورد مطالعاتی از این جهت صورت پذیرفته است که علاوه بر مشارکتی بودن روش کار، نتایج اجرایی موفقیت‌آمیز آن در استان خراسان جنوبی موجب تسری این روش به سایر استان‌ها شده و در نتیجه جوانب متعددی از مداخله را دربر گرفته است. دلیل سوم انتخاب چنین مورد مطالعاتی‌ای، ارتباط تنگاتنگ آن با مسئله محیط‌زیست و کم‌آبی است.

در این تحقیق به این پرسش پاسخ داده می‌شود که مدل ترسیب کربن بر چه متغیرهایی از مهاجرت روستاییان به شهرها اثرگذار است؟ فرضیه تحقیق آن است که علل مهاجرت روستاییان از شهرها ریشه در عواملی دارد که مدل‌های مداخلاتی توسعه‌گران محلی توانایی پاسخ‌گویی به تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن را ندارند و بنابراین، اگرچه آهنگ مهاجرت از روستا به شهر می‌تواند در بازه‌های زمانی گوناگون متفاوت به نظر رسد، اما حرکت و ضرورت این نظام همچنان آهنگی مثبت خواهد داشت.

روشی که در این تحقیق از آن استفاده می‌کنیم مطالعات اسنادی است، بدین صورت که ابتدا علل مهاجرت روستاییان به شهرها شناسایی می‌شود و پس از معرفی مختصر پروژه ترسیب کربن، اثرگذاری این مدل بر متغیرهای مهاجرت، با نگاهی سیستمی، به بحث گذارده می‌شود.

۱. روش و روند تحقیق

روش کار در این تحقیق، روش سیستمی است که در آن پویایی روابط محیطی، اجتماعی و اقتصادی روستا در پویایی یک نظام

در شهر با توجه به درآمد حاصل از آن؛ افزایش جمعیت روستاییان و تولید مازاد نیروی کار (همان، ص ۱۴-۱۷). خسروی بر آن است که «بهره‌کشی سخت خانواده‌ها از اعضای خود از یک‌سو، و استثمار روستاها توسط بنگاه‌های بزرگ و کوچک از سوی دیگر و نیز تأثیر بازارهای شهری به لحاظ اوج مناسبات سرمایه‌داری» (همان، ص ۳۵) موجب نابسامانی وضعیت روستاها می‌شود. او در کتاب دهقانان خرده‌پا^۱ به رابطه شهر و روستا در چارچوبی اجتماعی و اقتصادی نگریسته و می‌نویسد: «تا پیش از رخنه مناسبات سرمایه‌داری به روستا، تولید خانگی به تأمین معاش خانواده دهقان خرده‌پا خدمت می‌کرد و اکنون تولید خانگی روستایی در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری شهری جریان دارد. به طوری که اکنون تصمیم‌گیرنده برای تولید صنعت دستی خانگی رئیس خانواده نبوده، بلکه سلف‌خر و به‌ویژه بازار است که نوع آن را تعیین کرده و با پیش‌پرداخت، قالی و قالیچه‌های نافته را خریداری می‌کنند.» (همان، ص ۳۵).

خسروی در همین اثر، رابطه مالکیت زمین و مهاجرت را به‌خوبی نشان داده است. از طرفی، افشاری و همکارش به رابطه پیچیده مالکیت زمین و توسعه روستایی و مساحت زمین روستاییان اشاره می‌کند و از بی‌علاقگی کشاورزان خرده‌پا به ساماندهی شیوه‌های کشت خود، با کمک وسایل نوین کشاورزی، سخن می‌راند (افشاری و هجرتی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳). همچنین در این کتاب به نقش قانون ارث در خردکردن و تکه‌تکه کردن زمین‌های روستایی اشاره شده و چنین مثالی آمده است که مسئله ارث می‌تواند در تقسیم زمین تا آنجا پیش رود که به مالکیت تک‌درخت ختم شود (همان، ص ۱۳۱).

یکی دیگر از علل ذکر شده برای مهاجرت روستاییان، که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را نیز به خود جلب کرده، عوامل زیست‌محیطی است. لهسایی‌زاده و همکارانش به عوامل اثرگذار در مهاجرت روستایی در استان فارس، به‌ویژه بر اثر پدیده خشک‌سالی، پرداخته‌اند و به برنامه‌ریزان و توسعه‌گران توصیه می‌کنند که به تسهیل فرایند سازگاری با خشک‌سالی از طریق آموزش بپردازند (لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). آنان دریافتند که ۸۴ درصد از مهاجران روستایی را مردانی با میانگین سنی حدود ۲۳ سال تشکیل می‌دهند که در پی یافتن شغل عموماً به مقصد شهرهای صنعتی و خدماتی هم‌جوار می‌روند (همان، ص ۱۱۹). همچنین، تصمیم‌گیری برای مهاجرت به شهرها به یک‌باره صورت نپذیرفته است بلکه روستاییان نخست برای مقابله با مشکلات تلاش خود را به‌کار می‌گیرند (همان، ص ۱۲۲)، اما پس از مهاجرت، حتی خانواده‌هایی که با مصائب بسیاری در شهرها مواجه بوده‌اند، تمایلی به بازگشت به روستا از خود

تعریف مفهوم «توسعه روستایی» نیز باید در قالب برخوردی سیستمی با مناطق صورت پذیرد. بنابراین می‌توان گفت که لازمه توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه روستایی در فرایندی سیستمی است؛ فرایندی که در آن روستا به‌مثابه یک سیستم در ارتباط با محیط گسترده آن قرار دارد (رضوانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۷). چنین سیستمی خود از زیرسیستم‌هایی تشکیل شده است که کارکرد کل روستا را منوط به کارکرد عناصر سیستم روستا و پیوندهای بین آن‌ها در درون روستا قرار می‌دهد. این سیستم روندی تاریخی را پشت سر گذاشته، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نهادهای شکل‌گرفته در درون روستا، محصولاتی تاریخی بوده‌اند. لذا در روند تغییرات تاریخی زمینه، این نهادها می‌توانند دگرگون گردند.

۲-۲. علل مهاجرت از روستا به شهر

مهاجرت در لغت به معنای «از جایی به جای دیگر رفتن» است. لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه مهاجرت چنین آورده است: «ترک کردن دوستان و خویشان و خارج شدن از نزد ایشان یا فرار از ولایتی به ولایت دیگر از ظلم و تعدی». فرهنگ عمید نیز مهاجرت را «دوری کردن از شهر و دیار خود» تعریف کرده است. این جابه‌جایی و دوری کردن از مکان و آشنایان، پاسخی به نیاز انسان‌ها در مسائل مختلف است. انسان در جست‌وجوی معاش و برای ارتقای کیفیت زندگی مادی و معنوی خود جابه‌جا می‌شود. انگیزه این عمل چنان قوی است که به‌رغم وجود دل‌بستگی‌های فردی و گروهی به مکان، جابه‌جایی و مهاجرت تنها راه حل ممکن تشخیص داده می‌شود.

برای بررسی نیازها و مسائل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها، برخی صاحب‌نظران توجه خود را مستقیماً به علل مهاجرت معطوف می‌کنند و برخی دیگر بر راهکارهای توسعه روستایی تمرکز داشته‌اند که علل مهاجرت روستایی را، در دسته اخیر به‌طور ضمنی، می‌توان دریافت:

خسروی بر آن است که «مهاجرت روستاییان به شهرها و شهرها به افزایش جمعیت روستاها و دگرگونی‌های اجتماعی که در ساختار حرفه‌ای مناطق روستایی و شهری (مبدأ و مقصد) صورت گرفته، ارتباط دارد.» (خسروی، ۱۳۶۹، ص ۱۴). از نظر وی عوامل مؤثر در مهاجرت از روستاها به شهرها عبارت‌اند از: به‌هم‌ریختگی ساختار حرفه‌ای در روستاها؛ بروز مشکلات در نظام آبیاری؛ چندپارگی اراضی مزروعی یک مالک؛ ملی شدن مراتع؛ رواج مناسبات سرمایه‌داری، رونق گردش پول و آثار اقتصادی آن (از قبیل بالا رفتن نرخ بهره و اختصاص سهم اندک بودجه عمرانی به روستاها)؛ ماشینی‌شدن کشاورزی و بر هم خوردن نظام کار؛ آشنایی روستاییان با لداید زندگی شهرنشینی؛ مالکیت زمین و میزان آن؛ افزایش مزد در شهرها؛ بروز بحران‌های طبیعی مانند خشک‌سالی؛ دشواری کار روستایی در مقایسه با کار

۱. دهقانی که بین ۳ تا ۵ هکتار زمین دارد.

نشان نداده‌اند (همان، ص ۱۲۳). در تحقیقی دیگر، هاشمی و همکارش عمده‌ترین چالش‌های روستاییان در دهستان ساروق را مشکلات مرتبط با آب، خاک و پایداری مناطق جنگلی برشمرده‌اند (هاشمی و کریم، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵) و دریافته‌اند که مردم ساروق حساسیت بالایی به تخریب منابع طبیعی و نیز آسیب‌های طبیعی دارند (همان، ص ۱۷۴). دشتی نیز با نگاهی زیست‌محیطی به مطالعه راهکارهای توسعه پایدار روستایی توجه کرده و پهنه‌هایی را که بیشترین توان اکولوژیکی برای استقرار کاربری‌های روستایی دارند تعیین کرده است (دشتی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۸۳-۸۴).

از منظر سیستمی، رابطه شهر و روستا اهمیتی اساسی دارد. پارسی و فراهانی (۱۳۹۳، ص ۵۹) در تحلیل پدیده پراکنده‌روی شهری در شهر اصفهان به این مطلب اشاره می‌کنند که کاهش سطح منابع زیرزمینی و خشک‌سالی موجب تشویق روستاییان به مهاجرت می‌شود و این امر در روستاهای نزدیک به شهرها شدت بیشتری دارد (همان، ص ۶۰).

صرامی نیز به رابطه بین کلان‌شهر اصفهان و مناطق پیرامونی و روستایی و همچنین علل جذب جمعیت به سوی شهر اصفهان و اثر آن در قیمت زمین پرداخته است (صرامی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰) که عاملی در توقف فعالیت‌های ارضی روستاییان به‌شمار می‌رود. خوبفکر برآبادی و قریشی (۱۳۹۱، ص ۱۱۹) نیز رابطه شهری - روستایی در زاهدان را بررسی قرار کرده‌اند و متوجه شده‌اند که شهر زاهدان نقش مثبتی در توسعه روستایی داشته است. همچنین افراخته به اثر نحوه آرایش فضایی و توازن در پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی بر سطح توسعه روستایی و شهری پرداخته (افراخته، ۱۳۹۱، ص ۵۲) و نحوه آرایش فضایی فعالیت‌های اقتصادی را عاملی تعیین‌کننده در حرکت جمعیت، سرمایه، کالا و خدمات برشمرده است (همان، ص ۳۹).

از طرفی دیگر، پورطاهری و همکارانش به رابطه میان توسعه روستایی و دسترسی به نظام حمل‌ونقل در کردستان پرداخته‌اند و دریافته‌اند که دسترسی به حمل‌ونقل، به‌ویژه زیرساخت‌های حمل‌ونقلی، بر تغییرات اندام‌وار روستایی مؤثر است (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۹) و بهبود دسترسی‌ها موجب افزایش فرصت‌های اشتغال‌زایی و رونق کسب‌وکار می‌شود (همان، ص ۱۰۱-۱۰۲). نصرتی و ایمانی پراکندگی روستاها در کشور و بالابودن هزینه انتقال انرژی و تأمین شبکه حمل‌ونقلی، شرایط نامساعد اقلیمی و کم‌آبی و نیز ضعف نیروی انسانی در روستاها را از مشکلات فراروی توسعه صنایع در روستاها برمی‌شمارند (نصرتی و ایمانی، ۱۳۸۹، ص ۹۴).

لهسایی‌زاده به مطالعه مدیریت روستایی در ایران پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که شوراهای اسلامی روستایی نه ماهیتی مردمی دارند و نه رسماً شکلی بوروکراتیک؛ لذا مدیریت

روستاها به حال خود رها شده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۶۳). روستاییان نیز این شوراها را به‌عنوان نهادهایی که موجودیت رسمی داشته باشند در نظر نمی‌گیرند؛ چراکه بر این باورند که شوراها فاقد قدرت اجرایی‌اند و هیچ‌گونه نظارتی بر امر نظم روستاها ندارند (همان، ص ۶۲). به باور روستاییان میان عملکرد دهیاری‌ها و نیازهای واقعی مردم روستا اختلاف وجود دارد (احمدوند، ۱۳۹۳، ص ۳۹؛ شایان و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). توسعه روستایی منوط به مشارکت روستاییان و اعتمادسازی کلید مشارکت آنان است (طالب و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۷؛ بخشی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

اکثر مشکلات مهم در برنامه‌ریزی روستایی بیشتر ابعاد انسانی، سازمانی، اجتماعی و سیاسی دارد تا جنبه فن (رضوانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۸؛ فتحی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹) از این‌رو است که سرمایه اجتماعی در روند مهاجرت و توسعه روستایی مؤثر است (فراهانی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۷). ماجدی و لهسایی‌زاده برآن‌اند که هشت متغیر «تعداد اعضای خانوار»، «سطح تحصیلات سرپرست»، «شاخص ثروت»، «مالکیت منزل مسکونی»، «تعلق به مکان»، «توانمندی»، «ارتباطات فردی در روستا» و «نوع روستا» رابطه معناداری با سرمایه اجتماعی دارند (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱). آنان کنش جمعی را متغیری وابسته به سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (همان، ص ۱۸۶) و سرمایه اجتماعی را به دو زیرمجموعه سرمایه اجتماعی «ساختاری» و «شناختی» تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی، «سرمایه اجتماعی ساختاری» شامل عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های محلی و حمایت متقابل در مواقع بحرانی و «سرمایه اجتماعی شناختی» دربرگیرنده توافق جمعی در میان اعضای یک جامعه، اعتماد عام میان مردم، اعتماد فردی و کمک به اهداف مشترک و روابط هماهنگ روستایی است (همان، ص ۱۸۲-۱۸۳).

عباسی‌نژاد و رفیعی امام (۱۳۸۵، ص ۳۱) کاهش شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی کشور را از علل مهاجرت روستاییان به شهرها دانسته‌اند و معیارهای درآمد، آموزش و امید به زندگی را در توسعه انسانی مؤثر می‌دانند. بر اساس پژوهش‌های آنان، توسعه منابع انسانی در روستاها مستلزم اقدامات برنامه‌ریزی‌شده نظام‌مند برای افزایش درآمد، آموزش و بهداشت است (همان، ص ۵۱). از جمله دیگر محققان این حوزه، محمدرضا رضوانی است که به مطالعه نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران پرداخته است. به عقیده وی «رشد و توسعه روستاها، نیازمند برنامه‌ریزی و همچنین نظام برنامه‌ریزی جامع و کارآمد است» (رضوانی، ۱۳۸۰، ص ۲۵) وی علل نارسایی‌های توسعه روستایی را چنین برمی‌شمارد: فقدان برنامه‌ریزی توسعه در سطح محلی؛ نبود یا کم‌توجهی به رابطه منطقی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی برنامه‌ریزی؛ تصمیم‌گیری از بالا به پایین و عدم

پرداخته‌اند و دریافته‌اند که اهتمام به آموزش و مهارت‌آموزی روستاییان بر گرایش آن‌ها به تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها و افزایش منابع درآمدی مؤثر واقع می‌شود (علوی‌زاده و کرمانی، ۱۳۹۰، ص ۶۹). ضمن آنکه، توسعه فناوری اطلاعات به علت آنکه به مهارت‌آموزی شغلی و ایجاد فرصت‌های نوین کمک می‌کند، موجب افزایش خوداشتغالی روستاییان می‌شود (فال‌سلیمان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۹). لشگرآرا و حسینی عوامل مؤثر در توسعه مهارت‌های کارآفرینی در تعاونی‌های زنان روستایی استان فارس را شناسایی کردند و دریافته‌اند که زنان روستایی نیازمند اعتمادبه‌نفس‌اند و مهارت‌آموزی به ایشان ضرورتی در توسعه روستایی به‌شمار می‌رود (لشگرآرا و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۳۱). داورخانی به مطالعه چالش‌های اشتغال زنان در توسعه روستایی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که عواملی چون درآمد خانواده، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی در اشتغال زنان اثرگذار است. او همچنین درباره توسعه تک‌جنسیتی روستایی هشدار داده است (داورخانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱).

رابطه اقتصاد روستایی و صنعت، اثر تعیین‌کننده‌ای در روند مهاجرت از روستا به شهر داشته و سبب شده است که عده‌ای حل بحران توسعه‌نیافتگی و فقر مناطق روستایی در اکثر کشورهای درحال توسعه را در گرو صنعتی شدن بدانند. (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۳). ایشان بر این باورند که ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد، کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، افزایش رفاه روستایی و گسترش صادرات روستایی، از جمله پیامدهای صنعتی شدن مناطق پیرامون روستاها است (همان، ص ۲۰). به علت کمبود آب و شرایط دشوار اقلیمی، بخش صنعت، به‌ویژه صنایع کوچک روستایی، می‌تواند جایگزین کشاورزی شود و مانع از مهاجرت از روستاها شود (مطیعی لنگرودی و مرادی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷) و آنجا که ایجاد پیوندهای پسین و پیشین میان صنعت و کشاورزی شرط ضروری توسعه صنعتی متوازن است، آن استراتژی‌هایی از توسعه صنعتی موفق نبوده‌اند که جهت‌گیری کشاورزی نداشته‌اند؛ این امر تأکیدی است بر اهمیت زنجیره تولید از سطح ملی تا محلی (طاهرخانی، ۱۳۸۰، ص ۴۱-۴۲).^۲ مناطق صنعتی و اقتصادی ویژه به علت ایجاد اشتغال، خدمات‌رسانی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، موجب درآمدزایی و تثبیت جمعیت شده است (دربان آستانه و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱) و لذا ایجاد مناطق صنعتی موجب ارتقای کلی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی روستاییان و افزایش تمایل به سکونت در روستا می‌شود (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۵؛ نصیری، ۱۳۸۷، ص ۵۴-۵۵؛ دربان آستانه و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱). کشاورزی

مشارکت مردم در آن؛ بخشی‌نگری در برنامه‌ریزی؛ نبود سیستم مدیریت یک‌پارچه مناطق روستایی (همان، ص ۲۷-۳۶).

عوامل متعددی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اقتصادی روستایی اثرگذارند. ولایی و همکارانش بر این باورند که اثرگذارترین عامل در توسعه پایدار روستایی، عامل اقتصادی است و لذا وام‌ها و حمایت‌های مالی در کنار ریسک‌پذیری می‌تواند موجب کارآفرینی روستایی گردد (ولایی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹). در پژوهشی که در مورد اثر اعتبارات بانکی بر توسعه روستایی شهرستان خدابنده زنجان انجام شد، مشخص گردید که بهره‌گیری از تعاونی‌های خرد روستایی موجب تغییر ساختار مدیریت اراضی، تغییر در شیوه‌های تولید کشاورزی، افزایش بهره‌وری، افزایش تولید و تقویت اقتصاد کشاورزی شده است (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۰).^۱ میرزایی تأثیرات گردشگری بر منطقه اورامان کرمانشاه را ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده است که گردشگری روستایی زمینه اشتغال فصلی را در این منطقه ایجاد کرده است (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۴۹). همچنین جوان و همکارانش با مطالعه شهرستان سمیرم، به اثر مثبت تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در توسعه روستایی اشاره می‌کنند و می‌گویند که خانواده‌های با تنوع درآمدی در وضع پایدارتری قرار دارند (جوان و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۵). لشگرآرا و همکارانش به مطالعه نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در استان قم پرداختند و دریافته‌اند که توزیع بهتر امکانات و منابع در قالب تعاونی‌های تولید امکان‌پذیرتر است (لشگرآرا و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳). ازکیا و همکارانش نیز به نقش انجمن زادگاهی دریانی‌ها در توسعه روستاهای مبدأ اشاره کرده و برآن‌اند که این انجمن با شیوه اداره دموکراتیک، سبب ایجاد اشتغال، احداث کارخانه‌ها و رسیدگی به امور روستایی شده است (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸). ایشان الگوی دریانی‌های مقیم تهران را یک الگوی موفق برمی‌شمارند.

مهارت‌آموزی اثری جدی در اقتصاد خانوارهای روستایی دارد. آگهی و همکارانش به مطالعه توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی پرداخته‌اند و مهم‌ترین مهارت‌هایی را که باعث توسعه آن مشاغل می‌شوند، کسب مهارت و تجربه، انگیزه کسب استقلال، و معرفی و دیدار با افراد موفق می‌دانند (آگهی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱). آنان به این نتیجه رسیدند که میان عضویت زنان در تشکلهای روستایی و توسعه مشاغل خانگی، رابطه معناداری وجود دارد (همان، ص ۱۹۹). علوی‌زاده و کرمانی به مطالعه اثر آموزش در توسعه مشاغل غیرزراعی در سمیرم

۱. نکته حائز اهمیت در مورد تعاونی‌های روستایی شهرستان خدابنده آن است که دسته‌بندی و شکل‌گیری گروه‌های اعتباری و همکاری، بر مبنای تأمین منابع آبی بوده است (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

۲. همچنین طاهرخانی اشاره می‌کند که گسترش فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، الزاماً منجر به ماندگاری جمعیت در روستاها نخواهد شد (همان، ص ۳۴).

گران‌بهارترین عنصر سیستم تولید روستایی بدل کرده است. بر اثر همین کمبود، سیستم‌های آبیاری پیچیده و حائز اهمیتی در ایران شکل گرفتند که آثار آن اکنون نیز در شیوه‌های تولید دیده می‌شود. مسائل مرتبط با آب، خشک‌سالی و بیابان‌زایی، شرایط تولیدات کشاورزی و دامی را بسیار سخت می‌کند.

مشکلات کمبود آب نه تنها حیات شهروندان را به مخاطره می‌اندازد، بلکه در شکل و صورت تولید در کشور نیز تأثیر دارد. به علت کمبود آب، توسعه‌گران، به‌ویژه توسعه‌گران محلی‌ای که در روستاها مشغول به کارند، باید به پایه‌ریزی مشاغل غیر از کشاورزی و صنعتی مبادرت ورزند. تردیدی نیست که رشد اساسی اقتصاد، ریشه در تولیدات کشاورزی و صنعتی دارد. اما وقتی شرایط جغرافیایی، مدیریتی و اقتصاد سیاسی محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند، کسب‌وکارهای خرد می‌توانند به عامل گره‌گشایی در تأمین معاش مردم محلی تبدیل شوند. یکی از پروژه‌هایی که به مسئله چالش‌های طبیعی و آثار اقتصادی آن توجه داشته است، پروژه «ترسیب کربن» است که در ادامه شرح مختصری از آن خواهد آمد.

۳-۱. پروژه ترسیب کربن

«طبیعت عرصه‌ای است عمومی، که همه ما از حقوقی برابر نسبت به آن برخورداریم و درعین حال، به شکلی برابر مسئولیتی سنگین در مقابل آن بر دوش داریم» (هاروی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۷). بهره‌برداری بی‌رویه و غیرپایدار انسان از طبیعت از یک سو و افزایش جمعیت نوع انسان از سوی دیگر، فشار زیادی بر محیط‌زیست وارد آورده و چالش‌هایی جدی برای زندگی ایجاد کرده است. در این میان تهدیدات زیست‌محیطی در منطقه خشک و کم‌آبی مانند ایران دوچندان جلوه می‌کند. بنا به گزارش‌های سازمان «برنامه توسعه ملل متحد» (UNDP, 2014)، پنج مورد از تهدیدات جدی زیست‌محیطی ایران عبارت‌اند از: کمبود آب؛ فرسایش زمین و بیابان‌زایی؛ بازده کم انرژی و تولید گازهای گلخانه‌ای؛ آلودگی هوا و آب (شامل ریزگردها و توفان‌های شن)؛ کاهش تنوع زیستی.

پروژه «ترسیب کربن» با حمایت «برنامه توسعه ملل متحد» چند سالی است که در ایران در حال اجرا است. هدف از این پروژه «بیابان‌زدایی» و احیای مراتعی است که به علت مداخلات انسانی مانند چرای بی‌رویه دام و تأمین سوخت، به بیابان‌هایی خشک بدل گشته‌اند. ابزار تحقق این هدف، مدلی اقتصادی است که با مشارکت بومیان به کار گرفته می‌شود. بدان سبب که معیشت روستاییان وابسته به مراتع است و آن‌ها برای چرای دام‌هایشان از مراتع استفاده و بهره‌برداری می‌کنند، این پروژه از مدلی مشارکتی و اقتصادی بهره می‌برد که هم سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به اهداف خود برسد و هم معیشت روستاییان تأمین گردد. پروژه ترسیب کربن از گیاهان و درختان خاصی بهره

جزئی لاینفک از توسعه روستایی است و نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت جامعه روستایی دارد (نوری زمان‌آبادی و امینی فسخودی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴). مناطقی که در سطح بالاتری از توسعه اقتصادی قرار دارند، در بخش کشاورزی نیز توسعه‌یافته‌ترند (شیخ‌تبار و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۳). یکی از ارکان ایجاد ارتباط میان صنعت و توسعه روستایی، اتصال تولیدات روستایی به صنایع است چراکه رابطه همبستگی بنیادینی میان توسعه روستایی و توسعه کشاورزی وجود دارد (نوری زمان‌آبادی و امینی فسخودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳). گئورگ زیمل نیز به نیاز بشر امروزی به فاصله‌گذاری و حیات ذهنی اشاره کرده است و مکان مناسب آن را کلان‌شهرها می‌داند (تانکیس، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸). به اعتقاد او «تقسیم‌کار از فرد می‌طلبد که پیشرفتی بیش‌ازپیش یک‌جانبه داشته باشد.» (زیمل، ۱۳۷۲، ص ۶۴).

۳-۲. چارچوب نظری تحقیق

از مطالعه ادبیات توسعه روستایی و مهاجرت روستاییان به شهرها می‌توان دریافت که انگیزه و عواملی که موجب جابه‌جایی روستاییان می‌شود، طیفی گسترده را در برمی‌گیرد؛ لذا توسعه‌گران برای تدوین سیاست‌های توسعه روستایی با چالشی جدی مواجه‌اند. در جدول ۱ دسته‌بندی کلی‌ای از علل مهاجرت روستاییان به شهرها ارائه شده است. این جدول بسط مطالعات نظری بخش پیشین است.

در تدوین سیاست‌های توسعه روستایی، برخی صاحب‌نظران به برنامه‌ریزی از بالا به پایین و برخی دیگر به برنامه‌ریزی پایین به بالا تأکید دارند. آنان که برنامه‌ریزی جامع و سلسله‌مراتبی را لازمه توسعه می‌دانند، بر اهمیت خرید ابزاری و کنش عقلانی تأکید می‌ورزند و در مقابل، کسانی که برنامه‌ریزی برای توسعه را رویکردی پایین به بالا می‌دانند، بر فرایند یادگیری بر اثر کنش و فعالیت انسان‌ها تأکید دارند. در این مقاله بر این موضع تأکید می‌کنیم که یادگیری اجتماعی مردم‌سالارانه‌تر که از رویکردهای بالا به پایین است، در عمل می‌تواند نهادهای موجود را به نفع جوامع محلی تغییر دهد. با این حال، نباید از برنامه‌ریزی خردورانه برای نیل به اهداف کلان‌تر ملی غافل بود که به علت برهم‌کنش‌های متقابل روستا با شهر و منطقه، مقیاس‌هایی بزرگ‌تر از یک روستا را موضوع کار خود قرار می‌دهند.

۳. یافته‌های تحقیق

«کارآبادانی کشوری که اقلیم‌های متفاوت دارد بسیار مشکل و هزینه آن نسبت به کشورهای طبیعتی غنی دارند، مانند کشورهای اروپای مرکزی و شمالی، مضاعف است» (عظیمی بلوریان، ۱۳۹۴، ص ۳۹). در ایران، خشک‌سالی و کمبود آب تأثیرات فراوانی بر تولید کشاورزی و دامداری داشته و آب را به

جدول ۱: علل مهاجرت از روستا به شهر

متغیرها	معیارها	مؤلفه‌ها	ابعاد
<ul style="list-style-type: none"> افزایش جمعیت ارتقای سطح بهداشت عمومی استقرار صنایع آبربر آبیاری به شیوه‌های قدیمی سدسازی‌های گسترده ریختن فاضلاب شهری و صنعتی در رودخانه‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> خشک‌سالی افزایش تقاضای آب مدیریت نادرست منابع آبی آلودگی آب‌ها 	بحران کمی و کیفی آب	طبیعی
<ul style="list-style-type: none"> تغییرات طبیعی منابع آبی مانند تغییر جهت رودخانه‌ها تغییرات مصنوعی منابع آبی مانند سدسازی یا آلودگی آب‌ها به فاضلاب‌های صنعتی و خانگی 	<ul style="list-style-type: none"> تغییر منابع آبی خشک‌شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها 	افت کیفیت خاک و شورشدن آن	
<ul style="list-style-type: none"> گرمایش زمین تولید گازهای گلخانه‌ای حرکات تکتونیک صفحات زمین بیابان‌زدایی در نقاط دوردست 	<ul style="list-style-type: none"> زلزله رانش زمین سیل فوران مواد مذاب توفان شن 	بلایای طبیعی	اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> احداث شهرهای جدید در نزدیکی روستاها گسترش افقی شهرها به سمت روستاها قانون ارث اصلاحات ارضی 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش قیمت زمین نداشتن زمین کشاورزی اندک‌زمین بودن چندپارگی اراضی کشاورزی 	افت بازده تولیدی زمین	
<ul style="list-style-type: none"> زیرساخت‌های ضعیف حمل‌ونقل خدمات حمل‌ونقلی ضعیف کیفیت پایین حمل‌ونقل رشد نامتوازن صنایع عدم تعیین رابطه شهر و روستا در سیاست‌ها رابطه ضعیف صنعت و دانشگاه 	<ul style="list-style-type: none"> حضور دلالتان و واسطه‌های فروش دسترسی نامناسب به سیستم حمل‌ونقل دسترسی نامناسب به صنایع خریدار محصولات روستایی استفاده نکردن از تکنولوژی در تولید ارزان 	رکود کسب‌وکار و دسترسی ضعیف به بازار	
<ul style="list-style-type: none"> کاهش تولیدات کشاورزی و دامی به علل مختلف طبیعی و زیرساختی وابستگی درآمد به کشاورزی و دامداری آسیب‌پذیر افزایش بدهی‌های خانوارهای روستایی کاهش نقدینگی و فرصت‌های درآمدزایی افزایش جمعیت و تولید مازاد نیروی کار 	<ul style="list-style-type: none"> فقر اقتصادی روستاییان وابسته‌نبودن درآمد روستاییان به کشاورزی (حس تعلق و تملک زمین) کار بیشتر و درآمد کمتر 	جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید	

ابعاد	مؤلفه‌ها	معیارها	متغیرها
اجتماعی، فردی و فرهنگی	برخوردار نبودن از امکانات آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> دسترسی نامناسب به مدرسه و دانشگاه کمبود امکانات مهارت‌آموزی 	<ul style="list-style-type: none"> دسترسی ضعیف به فناوری‌های نوین اطلاعات کمبود یا نبود زیرساخت‌ها و خدمات آموزشی
	تمایل به افزایش رفاه خانواده (مسائل گروهی و اجتماعی)	<ul style="list-style-type: none"> مهاجرت سایر بستگان به شهر و انزوای خانوار دسترسی نامناسب به مراکز درمانی کیفیت پایین مسکن ارتقای حیات ذهنی در شهر 	<ul style="list-style-type: none"> نبود حریم خصوصی در روستاها تضادها و اختلافات قومی و طایفه‌ای عمل رسانه‌ای مهاجران شهرها برای روستاییان و بستگان
	مسائل فردی	<ul style="list-style-type: none"> سطح بالاتر تحصیلات فردی تمایل به برخورداری از تجربه شهرنشینی ازدواج برون‌روستایی 	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با امکانات زندگی شهری گسترش رسانه‌ها آسان شدن رفت‌وآمد بین شهر و روستا داشتن پایگاه‌های خویشاوندی در شهرها
ساختاری و سیاسی	ساختارهای سیاسی و اقتصادی موجود	<ul style="list-style-type: none"> نفوذ سرمایه‌داری و برقراری مناسبات اقتصادی آن برهم خوردن ساختار حرفه‌ای در روستاها صنعتی نشدن روستاها و مناطق پیرامونی عدم مدیریت یک‌پارچه در سطوح منطقه‌ای و روستایی توسعه نامتوازن صنعت در کشور در پی رشد شتابان تمرکز امکانات و خدمات در شهرها 	<ul style="list-style-type: none"> اجرای ناموفق سیاست‌ها و برنامه‌ها سهم اندک بودجه عمرانی کشور به روستاها برهم خوردن ساختار کوچ روستایی به علت ملی کردن مراتع نفتی بودن اقتصاد دخالت‌های نامناسب دولتی در روستاها ماشینی شدن امر کشاورزی در برخی مواقع نادرست عدم تزریق منابع مالی برای پروژه‌های تکنولوژیک

معکوس نمودن بیابان‌زایی بوده است. در آن سال کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، سازمان جنگل‌ها مراتع و آب‌خیزداری و صندوق جهانی توسعه کشاورزی، طرح احیای مراتع و درآمدزایی پناهندگان را در شهرستان بیرجند، در استان خراسان جنوبی، آغاز کردند. آن طرح شش سال ادامه داشت. ده سال پیش، برنامه توسعه ملل متحد پروژه ترسیب کربن را در همان استان خراسان جنوبی آغاز کرد. فاز اول پروژه ترسیب کربن در سال ۱۳۸۳ در شهرستان سربیشه استان خراسان جنوبی آغاز شد. تاکنون ۳۰ هزار هکتار دیگر از زمین‌های بیابانی تبدیل به فضای سبز شده است (Lewis, 2014). جمهوری اسلامی ایران با درک مزایای بالقوه اجتماعی و اقتصادی سبز کردن بیابان‌ها، به مشارکت در برنامه توسعه ملل متحد پرداخت و در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، فاز دوم این پروژه در شش استان دیگر (البرز، بوشهر، تهران، سمنان، کرمان و مرکزی) اجرا شد. حدوداً ۳۰ درصد از

می‌برد که ظرفیت آهسته‌سازی و معکوس کردن روند گسترش بیابان‌ها را دارند. این پروژه به یاری جوامع محلی‌ای که از تأثیرات منفی بیابان‌زایی رنج می‌برند، می‌شتابد و با همکاری خودشان، در بهبود اوضاع معیشتی و تقویت توسعه پایدار منطقه کمک می‌کند (Lewis, 2015). با کمک پروژه ترسیب کربن، روستاییان کم‌درآمد به همکاری با گروه‌های توسعه محلی تشویق شده‌اند. گروه‌های روستایی می‌توانند به صورت جمعی به اخذ وام برای خرید اقلام لازم برای احیا، کنترل کاشت و آبیاری نهال‌ها و درختچه‌ها اقدام نمایند. در واقع این اقدام فعالیتی به منظور توسعه اجتماعی - زیست‌محیطی است که «برنامه توسعه ملل متحد» از آن پشتیبانی می‌کند. این پروژه را به این علت «ترسیب کربن» نامیده‌اند که یکی از آثار جانبی آن توانایی جذب و رسوب دادن دی‌اکسید کربن در فضاها سبز ایجاد شده است. سازمان ملل متحد از سال ۱۳۶۸ پشتیبان تلاش‌ها برای

و محلی منابع طبیعی؛ ایجاد بنگاه‌های خرد در راستای تقویت معیشت اجتماعات محلی؛ مشارکت گسترده روستاییان در توانمندسازی و احیای منابع روبه‌زوال طبیعی و مدیریت اقتصادی آن‌ها؛ شناسایی روشی برای کاهش دی‌اکسید کربن موجود در جو؛ بهبود وضعیت توسعه انسانی به‌ویژه با مشارکت فعال و مؤثر زنان در فرایندهای تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل فرایند احیای زمین. (UNDP, 2014; Lewis, 2015)

۲-۳. اثر پروژه ترسیب کربن بر متغیرهای مهاجرت

با توجه به جدول ۱ و مطالب ذکر شده درباره پروژه ترسیب کربن، می‌توان دریافت که این پروژه، اگرچه آثار مثبتی بر توسعه روستایی داشته است و احتمالاً بر فرایند مهاجرت روستاییان اثرگذار خواهد بود، اما تمامی متغیرهای فرایند مهاجرت از روستا به شهر را پوشش نمی‌دهد و با تمام هزینه‌ها و منفعت‌هایش، فقط پاسخ‌گوی بخشی از نیازها و انگیزه‌های احتمالی روستاییان برای مهاجرت به شهرها است.

ترسیب کربن بر جنبه‌های زیست‌محیطی فرایند مهاجرت اثر مثبت گذاشته است. به‌ویژه با توجه به اهمیت مسئله آب در ایران، احیای مراتع به‌واسطه این پروژه معیشت مردم را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، تشکیل پوشش گیاهی مانعی طبیعی در مقابل بیابان‌زایی ایجاد می‌کند. در سطح مسائل مدیریتی و سیاسی، این پروژه موفقیت روش‌های مشارکتی پایین به بالا با هدایت نهادی فرادست را نشان می‌دهد که می‌تواند موجب انسجام اجتماعی بیشتر و ایجاد حس تعلق به زمین شود. شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع و اجاره آن به دامداران، در کنار تشکیل صندوق‌های خرد روستایی و گروه‌های محلی توسعه که همگی به دست مردم محلی اداره و مدیریت می‌شوند، بخشی از مشکلات اقتصادی را کاهش می‌دهد. به‌علاوه، چنان‌که منابع درآمدی این صندوق‌ها صرف ایجاد کارگاه‌ها و صنایع کوچک روستایی شوند، بخشی از زنان و مردان روستایی فرصت شغلی تازه‌ای یافته و کمتر در جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید روانه شهرها خواهند شد. به لحاظ فردی و اجتماعی، ترسیب کربن توانسته بخشی از منزلت اجتماعی روستاییان را به ایشان بازگرداند و حتی فرصت‌های تحصیلی برایشان فراهم آورد. همچنین، اعتبارات صندوق‌های خرد روستایی می‌تواند در زمینه تأمین ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی و دامداری نیز مؤثر واقع شود. از سوی دیگر، افزایش تولیدات روستایی می‌تواند سبب تقویت رابطه روستا با بازارهای شهری شود و پیوندهای روستا - شهر را تقویت نماید.

لازم است بدانیم که اگرچه هدف اصلی این پروژه تقویت جوامع محلی با یک مدل اقتصادی پایدار بوده است، اما پیچیدگی روابط اقتصادی و اجتماعی روستاییان و رابطه تنگاتنگ آن‌ها با

بودجه این پروژه‌ها را برنامه توسعه ملل متحد تأمین کرده است. به‌تازگی، در ۱۲ شهریور ۱۳۹۳، برنامه توسعه ملل متحد و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری ایران، قراردادی را امضا کردند که این پروژه را به ۱۰ استان دیگر نیز گسترش می‌دهد (آذربایجان غربی، اصفهان، ایلام، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، گلستان و یزد). فاز دوم طرح ترسیب کربن سه هدف کلان را در سه سطح جهانی، ملی و محلی دنبال می‌کند:

۱) در سطح جهانی: ارائه یک مدل رسوب کربن، به‌طوری‌که نشان دهد ترسیب کربن در مناطق خشک و بیابانی می‌تواند به روشی اقتصادی محقق شود؛

۲) در سطح ملی: احیای منابع روبه‌زوال طبیعی؛

۳) در سطح محلی: بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی اجتماع محلی.

از آموزه‌های اولین مرحله اجرای پروژه ترسیب کربن آن بود که اگر همکاری روستاییان در بیابان‌زدایی را خواستار هستیم، باید به سایر معضلات روستاییان توجه کنیم. این مهم، توجه مجریان طرح را به مسائل جغرافیایی و فرهنگی بومیان جلب کرد و مطالعه در این خصوص موجب پی‌بردن آنان به رابطه بین طبیعت و معیشت مردم و کیفیات آن گردید.

هنگامی که تیم اجرایی ترسیب کربن وارد یک روستا می‌شود و فعالیت خود را آغاز می‌کند، تنها به کاشت گیاهان و بیابان‌زدایی نمی‌اندیشد، بلکه برنامه اجرایی مشخص و جامعی را گام‌به‌گام اجرا می‌کند. تیم اجرایی استان خراسان شمالی برنامه خود را در گام‌های زیر تعریف کرد:

۱) تقویت روحیه همکاری و مشارکت جوامع محلی (برگزاری جلسات متعدد به روش PRA)؛

۲) ایجاد ساختارهای مشارکت گروهی (تشکیل گروه‌های توسعه)؛

۳) توانمندسازی جوامع محلی (ایجاد زیرساخت اقتصادی مردم‌محور و تعاونی‌ها و صندوق‌های خرد روستایی)؛

۴) تقویت معیشت جوامع محلی (اصلاح، تقویت و تغییر معیشت)؛

۵) ارتقای سطح دانش و مهارت جوامع محلی (برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی)؛

۶) ایجاد مشاغل سازگار با محیط‌زیست؛

۷) همسوسازی دستگاه‌های اجرایی و تسهیل ارتباط مردم با نهادهای دولتی.

ناظران برنامه توسعه ملل متحد، دستاوردهای این پروژه را چنین برمی‌شمارند: ایجاد ظرفیت‌های جدید توسعه در سطح محلی؛ توانمندسازی زنان و مردان؛ افزایش آگاهی در مورد مدیریت ملی

جدول ۲: متغیرهایی که تحت تأثیر پروژه ترسیب کربن قرار گرفته‌اند.

متغیرهای محلی	متغیرهای جهانی
میزان تولیدات کشاورزی و دامی	گرمایش زمین
میزان بدهی‌های خانوارهای روستایی	تولید گازهای گلخانه‌ای
میزان بدهی‌های خانوارهای روستایی	
وابستگی درآمد به کشاورزی و دامداری	
کاهش نقدینگی و فرصت‌های درآمدزایی	

بالاتر خدمات بهداشتی و آموزشی و موارد دیگری از این دست، مسائلی نیستند که در مقیاس پروژه‌ای مانند ترسیب کربن بتوان به آن‌ها پاسخ داد. جدول ۲ نشان می‌دهد که پروژه ترسیب کربن فقط بر بخش کوچکی از علل مهاجرت روستاییان به شهرها، که در جدول ۱ شرح داده شد، اثرگذار است.^۱ این پروژه نهایتاً می‌تواند رونق بیابان‌زایی را کند و یا متوقف کند و شرایط زندگی چند خانوار روستایی را، از طریق دادن وام تعاونی‌ها، ساختن کارگاه‌های کوچک تولیدی، درآمدزایی از طریق احیای مراتع و اجاره آن به دامداران و غیره، بهبود بخشد اما هرگز نمی‌تواند مانع حرکت کلی جابه‌جایی جمعیت روستایی به شهرها شود؛ چراکه قادر به حل مسائلی مانند شکاف فزاینده طبقاتی، ارتقای مسائل بهداشتی، عدم توازن در توزیع ثروت در کشور، افزایش دسترسی به فرصت‌ها، کمبود منابع آبی، تولید گازهای گلخانه‌ای، مسائل مربوط به مالکیت زمین و خرد شدن قطعات اراضی کشاورزی، افزایش جاذبه‌های شهری و آشنایی روستاییان با شهر از طریق رسانه‌ها و غیره نیست. چنین مسائلی به برنامه‌ریزی‌های کلان‌تر و بالاب‌پایینی نیاز دارد که بنا به نگاهی جامع و عقلانی، سازوکاری مردم‌سالارانه (حکمرمایی خوب) برای اجرای آن دیده شود.

در خصوص آثار اجرای طرح ترسیب کربن بر پیوند میان روستا و شهر، چنین به نظر می‌رسد که فروش برخی محصولات روستایی به شهرنشینان، تنها دستاورد فرامحلی این پروژه برای روستاییان بوده است. لذا از نگاهی سیستمی، به پیوندهای لازم میان شهر و روستا در این پروژه توجه نشده است که البته هدف این پروژه نیز نبوده‌اند. این پیوندها می‌توانند برای ایجاد ارتباط میان صنعت و محصولات روستایی تقویت شوند که در نتیجه آن فرصت‌های شغلی پایدار با بازارهای تضمین‌شده برای روستاییان به وجود خواهد آمد و مانع از مهاجرت روستاییان می‌شود.

طبیعت، مجریان را مجبور به توانمندسازی روستاییان، برقراری ارتباطات نهادی ناحیه‌ای و منطقه‌ای و سیاست‌گذاری با کمک روستاییان در همه سطوح اجتماعی و اقتصادی کرد. به بیان دیگر، از طریق این پروژه، نهادهای جدیدی در روستاها شکل گرفتند.

۴. بحث و ارزیابی

۴-۱. اثرگذاری پروژه ترسیب کربن بر مهاجرت

مجریان پروژه ترسیب کربن برای دستیابی به هدفشان اقدام به تشکیل نهادها و انجام امور دیگری کرده‌اند که مستقیماً به هدف آن‌ها مربوط نمی‌شد (اموری مانند تشکیل صندوق اعتبارات خرد، تشکیل گروه‌های توسعه، توانمندسازی و آموزش زنان)؛ اما لازمه دستیابی به اهداف موردنظر، جلب اعتماد روستاییان از یک سو و از سوی دیگر، در نظر گرفتن کل زنجیره اقتصادی روستاها و رونمای اجتماعی و فرهنگی آن بود که در محیط طبیعی خاص هر روستا تبلور می‌یابد. باین حال، پروژه‌ای مانند پروژه ترسیب کربن به هیچ‌عنوان توانایی پاسخ‌گویی به برخی علل مهاجرت روستاییان به شهرها را ندارد. برای مثال، توسعه تکنولوژی و گسترش رسانه‌ها، روستاییان را بیش‌ازپیش با شهرها و لذایذ زندگی در آن آشنا کرده و این جوامع را با یک تنش فرهنگی مواجه ساخته است. ساکنان روستا از این طریق بیشتر به اختلاف طبقاتی خود با شهرنشینان پی برده‌اند. همچنین، افزایش بی‌رویه جمعیت روستاییان از طرفی افزایش درآمد آنان را می‌طلبد و از طرف دیگر، نیروی کار مازادی را روانه شهرها می‌گرداند که عموماً در بخش خدماتی یا به صورت کارگران فصلی مشغول به کار می‌شوند. تغییرات جزئی و اقلیمی که منجر به کم‌آبی‌های شدید می‌شوند، افزایش عمومی رفاه در کشور، افزایش دسترسی به سیستم حمل‌ونقل، سیاست‌های دولتی و استانی در نحوه توزیع سرمایه‌ها، تکانه‌های اقتصادی ناشی از سیاست در سطح جهانی آن، استقرار صنایع، تغییرات در نوع مصرف، افزایش مصرف‌گرایی و نفوذ آن در روستاها، طلب سطح

۱. البته علل خاص مهاجرت در هر منطقه تفاوت‌هایی دارد، اما علل عام مهاجرت در سطحی کلان مطرح می‌شود.

۲-۴. یادگیری اجتماعی

«یادگیری اجتماعی» را می‌توان یکی از دستاوردهای مهم پروژه ترسیب کربن دانست. در طی این پروژه، چه مردم محلی و چه مدیران دست‌اندرکار، در یک فرایند یادگیری شرکت کردند. تغییر برخی سیاست‌های اصلی پروژه مزبور در حین اجرای آن، نشان از افزایش آگاهی از مردم محلی و شناخت نهادهای آن‌ها دارد (تأثیرات از پایین به بالا). از سوی دیگر، مردم محلی نیز به دانشی جدید در مدیریت منابع خود دست یافته‌اند و با درونی‌ساختن آن و تشکیل نهادهایی مردمی، اینک خود قادر به مدیریت آن پروژه هستند.

نتیجه‌گیری

توسعه روستایی مستلزم داشتن شناختی دقیق از فضای اجتماعی، اقتصادی و محیطی روستاها است. شناسایی عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها، به شناخت این ابعاد کمک می‌کند و راه را برای انتخاب بهترین راهکارها و سیاست‌های مداخله در روستاها می‌گشاید. این عوامل نیز وقتی به خوبی شناخته می‌شوند که با برخوردی سیستمی به پیوند روستا و منطقه‌ای که در آن قرار دارد بنگریم. چنین نگرشی این امکان را به ما می‌دهد که به اهمیت نقش و کارکرد یک روستا در کشور پی ببریم. هیچ روستایی، هراندازه هم که کوچک باشد، بی‌اهمیت نیست. در نگاه کلان، هر روستایی عهده‌دار نقشی در کشور و سهم در آبادانی آن است. اگر از رابطه روستا با روستاها و شهرهای دیگر و با محیط و طبیعت پیرامون آن غافل باشیم، نمی‌توانیم آن روستا را بشناسیم و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. مهاجرت از روستا به شهر نیز نیازمند چنین شناخت و درکی از جوامع روستایی است. به نظر می‌رسد این پدیده که ناشی از تضادهای موجود میان روستا و شهر است، با توزیع عادلانه و عاقلانه منابع و حل تضادها، قابل پیشگیری و علاج است.

مهاجرت از روستا به شهر به اقتصاد ملی و تولید کشاورزی و به تبع آن، تولید صنعتی ضربه زده و آن را در برابر تکانه‌های اقتصادی نامقاوم ساخته که نهایتاً، منجر به افزایش وابستگی به بیگانگان شده است. این روند موجب کاهش تولید ناخالص ملی می‌شود و زمینه را برای خروج ارز از کشور و بزرگ‌تر شدن بخش خدمات فراهم می‌سازد. مهاجرت روستاییان به شهرها ریشه در عواملی دارد که مدل‌های مداخلاتی توسعه‌گران محلی، توانایی پاسخ‌گویی به تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن را ندارند. پروژه ترسیب کربن نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه هدف از پروژه ترسیب کربن رسوب‌دادن کربن موجود در جو است، اما تحقق این هدف با توسعه روستایی گره خورده است و عدم تحقق آن در مهاجرت روستاییان به شهرها نمود پیدا می‌کند. بنابراین،

اگر قرار است برای به‌وقوع پیوستن کامل اهداف چنین پروژه‌هایی و نیز توسعه روستایی چاره‌ای بیندیشیم (بعد انتزاعی مسئله)، باید به فکر راهکاری برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها باشیم (بعد انضمامی مسئله). حل این مسئله، با راهکاری محدود و با نگرشی غیرسیستماتیک به توسعه روستایی میسر نمی‌شود و نیاز به سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و سیاسی در کشور دارد. بنابراین برقراری ارتباط صحیح میان شهر و روستا برای رسیدن به این هدف امری بسیار مهم است. به نظر می‌رسد هنگامی این امر مهم حاصل می‌گردد که شهر در نقش صنعتی خود و روستا در نقش تولیدکننده محصولات کشاورزی و دامی (مواد اولیه صنایع) به‌دقت تعریف شود و پیوندهای لازم میان آن دو به‌خوبی برقرار گردد. این موضوع نیز نیازمند برنامه‌ریزی کلان در سطح سرزمینی و منطقه‌ای است که لزوم تدوین و اجرای برنامه آمایش سرزمین را خاطر نشان می‌سازد.

منابع

- احمدوند، مصطفی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر دهیاری‌ها بر توسعه پایدار روستایی در شهرستان بویراحمد». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۷، ش ۳، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۳-۴۲.
- ادیبی، حسین (۱۳۳۵). مقدمه بر جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات شبگیر، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی، فیروزآبادی، سید احمد، و رستمعلی‌زاده، ولی‌الله (۱۳۸۷). «نقش انجمن‌های زادگاهی در توسعه روستایی، مطالعه موردی: دریانی‌های تهران». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۱، ش ۴، ص ۱۴۷-۱۷۴.
- افراخته، حسن (۱۳۹۱). «اقتصاد فضا و توسعه روستایی، مورد: ناحیه شفت». نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، ش ۱، پاییز ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۱، ص ۳۹-۵۴.
- افشاری، مهرنوش، و هجرتی، محمدحسن (۱۳۸۹). «نقش مالکیت‌های ارضی در توسعه روستایی». مطالعه موردی: دهستان پایین‌رخ تربت‌حیدریه». نشریه جغرافیای انسانی، سال ۳، ش ۱، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۳-۱۳۶.
- آگهی، حسین، میرک‌زاده، علی‌اصغر، و تقی‌بیگی، معصومه (۱۳۹۱). «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی». نشریه زن و جامعه، سال ۳، ش ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۸۱-۲۰۲.
- بخشی‌زاده، حسن، طالب، مهدی، و میرزایی، حسین (۱۳۸۹). «برنامه‌ریزی تعاملی گردشگری روستایی با رهیافت ارزیابی مشارکت روستایی، مورد مطالعه: روستای وکیل‌آباد «سردابه»». نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۰-۳۴.
- پارسی، حمیدرضا، و فرمینی‌فراهانی، بهراد (۱۳۹۳). «تحلیل پدیده پراکنده‌رویی شهری در دامنه‌های شهرهای بزرگ، مطالعه موردی: دامنه‌های شمالی اصفهان». نشریه مطالعات شهری، ش ۱۰، بهار ۱۳۹۳، ص ۴۹-۶۲.
- پورطاهری، مهدی، باقری سرنجیانه، ناصر، و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۱). «ارزیابی قابلیت دسترسی به نظام حمل‌ونقل و نقش آن در توسعه سکونتگاه‌های روستایی». نشریه مدرس علوم انسانی: برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۹-۱۱۰.

- تانکیس، قرن (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- جوان، جعفر، علوی‌زاده، سید امیرمحمد، کرمانی، مهدی (۱۳۹۰). «نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: شهرستان سمیرم». نشریه جغرافیا، دوره جدید، سال ۹، ش ۲۹، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۷-۴۳.
- خُسروی، خسرو (۱۳۶۹). دهقانان خُرده‌پا. تهران: نشر قطره، چاپ اول.
- خوبنکر برآبادی، حبیب‌الله، و قریشی، صلاح‌الدین (۱۳۹۱). «پیوندهای روستایی - شهری زاهدان و توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: شهرستان زاهدان». نشریه پژوهش‌های روستایی، سال ۳، ش ۱، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- داورخانی، فضیله (۱۳۸۵). «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان». نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۵، ص ۱۷۱-۱۸۸.
- دربان آستانه، علیرضا، توکلی نغمه، مصطفی، و تلخاب، امیر (۱۳۹۴). «بررسی نقش منطقه ویژه اقتصادی در توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان، استان قم». نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۵، ش ۲۰، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۱-۱۲۴.
- دشتی، سولماز، معنوی، سید مسعود، و سبزیبایی، غلامرضا (۱۳۸۷). «راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با استفاده از ارزیابی توان محیط‌زیست حوزه آبخیز زاخرد». نشریه علوم محیطی، سال ۶، دوره ۲، زمستان ۱۳۸۷، ص ۷۷-۸۶.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۰). «نگرشی بر نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران». مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۱، اسفند ۱۳۸۰، ص ۲۵-۳۸.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱). «برنامه‌ریزی توسعه روستایی: مفاهیم، راهبردها، فرایندها». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۱، ص ۲۲۱-۲۴۰.
- رضوانی، محمدرضا، رمضان‌زاده لسبویی، مهدی، و محمدپور جابری، مرتضی (۱۳۸۹). «تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، مورد: ناحیه صنعتی سلیمان‌آباد تنکابن». نشریه جغرافیا و توسعه، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۹، ص ۵-۲۶.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱). «استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی». نشریه مدرس، دوره ۶، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱-۲۲.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، عینالی، جمشید، و سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۸۵). «ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خداآبند». نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، ش ۵۶، زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۵-۷۶.
- زیمبل، گئورگ (۱۳۷۲). «کلان‌شهر و حیات ذهنی». ترجمه یوسف ابادزی، نشریه نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، ش سوم، بهار.
- شایان، حمید، حسین‌زاده، سید رضا، و خسروبیگی، رضا (۱۳۹۰). «ارزیابی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی: شهرستان کمیجان». نشریه جغرافیا و توسعه، ش ۲۴، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- شیخ‌تبار، مجید، سردار شهرکی، علی، و کریم، محمدحسین (۱۳۹۲). «تعیین سطوح توسعه‌افتگی کشاورزی و اقتصادی در بخش روستایی ایران». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۶، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۲۱-۳۶.
- صرامی، حسین (۱۳۸۴). «مرکز - پیرامون و رابطه شهر و روستا». نشریه تحقیقات جغرافیایی، ش ۷۷، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۰-۱۱۲.
- طالب، مهدی، میرزایی، حسین، و نادری، عفوات (۱۳۹۱). «ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی، بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی». نشریه توسعه روستایی، ش ۱، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱-۱۸.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰). «نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی». نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۰، مهر ۱۳۸۰، ص ۱۱-۴۵.
- عباسی‌نژاد، حسین، و رفیعی‌امام، علینقی (۱۳۸۵). «ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران». نشریه تحقیقات اقتصادی، ش ۷۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۳۱-۵۴.
- عظیمی بلوریان، احمد (۱۳۹۴). مفهوم آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه: خاستگاه‌ها، سیر تکاملی و تجربه ایران. تهران: انتشارات رسا، چاپ دوم.
- علوی‌زاده، سید امیرمحمد، و کرمانی، مهدی (۱۳۹۰). «نقش آموزش در توسعه فعالیت‌های غیرزراعی، مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان سمیرم». نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱، ش ۴۰، ص ۶۹-۸۰.
- فال‌سلیمان، محمود، فراهی، احمد، حجی‌پور، محمد، حق‌دوست، ناهید، و فلزی، مرتضی (۱۳۹۱). «اثرات گسترش فن‌آوری اطلاعات در توسعه روستایی، مورد: روستاهای خراسان جنوبی». نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، ش ۲، زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۹-۹۴.
- فتحی، سروش (۱۳۹۱). «تحلیلی بر نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی». نشریه جغرافیا: برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، ش ۲، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۹۵-۲۱۴.
- لشگرآرا، فرهاد، و حسین، طیبه (۱۳۹۳). «شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی در تعاونی‌های زنان روستایی استان فارس». نشریه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۷، ش ۲، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۳-۳۳.
- لشگرآرا، فرهاد، ترامشلو، محسن، و میردامادی، سید مهدی (۱۳۹۴). «نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در توسعه کشاورزی استان قم». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۸، ش ۲، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۱۱-۱۲۷.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸). «مدیریت روستایی در ایران معاصر». نشریه تعاون، سال ۲۰، ش ۲۰۲-۲۰۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸، ص ۴۹-۶۷.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، کشاورز، مرضیه، و کریمی، عزت‌الله (۱۳۹۲). «عوامل اثرگذار بر مهاجرت روستایی ناشی از خشک‌سالی، یک مطالعه موردی در استان فارس». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۶، ش ۱، بهار ۹۲، ص ۱۱۳-۱۲۷.
- ماجدی، مسعود، و لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۹). «رابطه سرمایه اجتماعی با کنش جمعی در مناطق روستایی». نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، ش ۳۸، ص ۱۷۱-۱۹۱.
- مطیعی لنگرودی، و مرادی، سید حسن و محمود (۱۳۸۴). «جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند». نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۳، ص ۱۳۷-۱۴۹.
- میرزایی، رحمت (۱۳۸۸). «تأثیر توسعه گردشگری روستایی بر اشتغال در منطقه اورامانات کرمانشاه». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۲، ش ۴، ص ۴۹-۷۶.
- نصرتی، فردین، و ایمانی، بهرام (۱۳۸۹). «چالش‌های فراروی توسعه صنایع روستایی در ایران». نشریه مسکن، محیط و روستا، دوره ۲۹، ش ۱۲۹، ص ۸۶-۹۷.
- نصیری، اسماعیل (۱۳۸۷). «صنایع روستایی، عاملی اثرگذار بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی، نمونه تجربی: روستاهای شهر بومهن». نشریه روستا و توسعه، سال ۱۱، ش ۱، بهار، ص ۳۵-۵۸.

نوری زمان‌آبادی، هدایت‌الله، و امینی فسخودی، عباس (۱۳۸۶). «سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی، مطالعه موردی: مناطق روستایی استان اصفهان». نشریه علوم کشاورزی ایران، ش ۲۰، دوره ۳۸۰۲، ص ۲۶۳-۲۷۵. نیر، دیپک (۱۳۸۵). «جهانی‌شدن و توسعه». ترجمه رضا مجیدزاده، نشریه اقتصاد سیاسی، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۷۰-۹۵. ولایی، محمد و عبدالهی، عبدالله، منافی‌آدر، رضا و صفری، نوید (۱۳۹۴). «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کارآفرینی، مطالعه موردی: دهستان مرحمت‌آباد شمالی، شهرستان میان‌دوآب». نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۵، ش ۱۹، ص ۱۴۹-۱۶۲. ویلیس، کتی (۱۳۹۳). نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه. ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پوررجب، تهران: انتشارات پژواک، چاپ اول. هاروی، دیوید (۱۳۹۳). معمای سرمایه و بحران‌های سرمایه‌داری. ترجمه مجید امینی، تهران: نشر کلاغ، چاپ اول. هاشمی، ابوالحسن، و کریم، محمدحسین (۱۳۸۸). «نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: دهستان ساروق، شهرستان اراک». نشریه روستا و توسعه، ش ۲، سال ۱۲، ص ۱۵۵-۱۷۸.

Castells, Manuel & Himanen, Pekka (2014). *Reconceptualizing Development in the Global Information Age*. Oxford University Press.

Lewis, Gray (2014). *Deliberate man-made effort to re-green the deserts of Iran*. available at: <http://www.ir.undp.org/content/iran/en/home/press-center/articles/2014/09/24/deliberate-man-made-effort-to-re-green-the-deserts.html>

Lewis, Gray (2015). *Nothing for us, without us: A model for Reversing Desertification in Iran*. available at: <http://www.ir.undp.org/content/iran/en/home/presscenter/articles/2015/04/23-nothing-for-us-without-us-a-model-for-reversing-desertification-in-iran.html>

UNDP (2014). *Carbon Sequestration Project expands to 10 more provinces agreement signed in Tehran*. Sep 3, 2014; available at:

<http://www.ir.undp.org/content/iran/en/home/presscenter/articles/2014/09/03-carbon-sequestration-project-expands-to-10-more-provinces-agreement-signed-in-tehran.html>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی